آموزش همگانی حلقه مفقوده مقابله با بحران

عکس: خبرگزاری رویترز

نگاه ۱

آموزش مقابله با بحران برای سنین گوناگون تعریف نشده است

مرتضی مرادی‌پور
مسئول آموزش همگانی
جمعیت هلال‌احمر

آموزش همگانی، به آموزشی اطلاق می‌شود که هر طبقه و با هر سنی در جامعه را دربربگیرد و البته این آموزش از طریق رسانه‌های همگانی و سایر امکانات در دسترس جامعه قرار می‌گیرد. جمعیت هلال‌احمر نیز به‌عنوان متولی کارگروه امداد و نجات و آموزش همگانی، از حدود یک دهه پیش شعاری را مبنای کار خود قرار داد با عنوان «هر خانواده ایرانی یک امدادگر» و از این طریق تلاش کرد تا کار آموزش را از خانواده‌ها و البته از سنین کودکی آغاز کند. بر این اساس سازمان جوانان و داوطلبان مجری این طرح شدند. اما درخصوص آموزش آنچه بیش از هرچه دارای اهمیت است و توجه را به خود جلب می‌کند، کافی نبودن آموزش‌هاست. جامعه‌ای آماده است که همه اعضایش آماده باشند نه این‌که ما صرفا تیم‌هایی را در هلال‌احمر و... برای مواقع بحرانی آموزش دهیم. این افراد نمی‌توانند هنگام بحران آنطور که خود مردم می‌توانند به خود کمک کنند، حاضر شوند. نکته دارای اهمیت دیگر این است که آموزش‌هایی که ما تاکنون مدنظر داشته‌ایم، آموزش مقابله با زلزله است. این درحالی است که ما برای سایر بحران‌ها آمادگی نداریم و همین‌طور برای بحران‌های چندگانه و بالاخره زمانی باید از این حالت تک‌بعدی خارج شویم که این هم عزم ملی می‌طلبد. درست است که هلال‌احمر به نوعی مسئول بحث آموزش است اما این امر هرگز با حضور ما به تنهایی ممکن نخواهد بود و اگر به تاریخ کشورهای پربحران هم نظری بیفکنیم می‌بینیم که مقابله با بحران پیش و پس از بحران صرفا با کمک و حمایت تمامی ارگان‌ها ممکن شده که ژاپن یکی از موفق‌ترین موارد در این راستا است. از سویی کارگروه امدادونجات و آموزش همگانی دارای ۱۸ عضو است که حضور و خواست همه این ۱۸ عضو در کنار مردم می‌تواند آموزش را به امری نهادینه بدل سازد. مردم اما از نظر من مهم‌ترین رکن هستند. مردمی که احساس خطر نمی‌کنند، مطالبه نمی‌کنند و همین هم می‌شود که کیفیت آموزش‌ها نازل است. انسان وقتی نگرانی خاصی داشته باشد، می‌تواند برای آن تلاش و برنامه‌ریزی کند و اگر این نگرانی وجود نداشته باشد، همان‌طور که تاکنون بوده، ما هرگز نمی‌توانیم حتی گامی به جلو برداریم. از سوی دیگر در این حوزه هنوز اجباری هم حاکم نیست.

ما در گذشته شاهد این امر بودیم که کمربند ایمنی تا زمانی که اجباری نبود، کسی هم وقعی به بستنش نمی‌گذاشت اما از زمانی که این امر اجباری شد، مردم آن را انجام دادند. مسأله این است که این امر در درون مردم نهادینه شود و هرگاه این امر رخ داد آنها آموزش درست را هم مطالبه خواهند کرد. اما اگر بخواهیم نگاهی به برنامه‌های آموزشی فعلی داشته باشیم، بزرگترین نقدی که می‌توان به آنها داشت وجود بی‌برنامگی است. باید برای پاسخ به بحران‌ها برنامه‌های بلندمدت، میان و کوتاه‌مدت داشته باشیم که متولی آن هم سازمان مدیریت و پیشگیری از بحران و همچنین وزارت کشور است که تاکنون شاهد چنین برنامه‌هایی نبوده‌ایم. نکته دیگر در بحث نحوه آموزش است که ضعف دیگر این‌جا خود را عیان می‌کند. آموزش‌های ما برای کودکان مناسب سن آنها نیست و در حقیقت ما همان آموزشی که به بزرگسالان می‌دهیم، به کودکان نیز می‌دهیم. این درحالی است که آموزش باید برای سنین پایین جذاب باشد نه آن‌که آموزش‌ها به صورت کتابی و کلاسی باشد. این نوع آموزش‌ها درنهایت نتیجه خاصی در بر نخواهد داشت و چون برای بچه‌ها جذابیت خاصی ندارد برایشان درونی هم نخواهد شد. ما مدت‌هاست که برای تغییر این رویه تلاش کرده‌ایم، طرح داده‌ایم و خواسته‌ایم که این نحوه آموزش یکسان تغییر کند اما درنهایت چون قدرت اعمال‌نظر نداریم این اتفاق نیفتاده و ما همچنان شاهد همان رویه قدیمی هستیم. این مورد همچنین درخصوص سربازان نیز وجود دارد. نیروهای جوان و آماده‌ای که می‌توان با آموزش‌های درست از آنها نیروهایی مناسب شرایط بحرانی ساخت که متاسفانه توجهی به این موارد صورت نمی‌گیرد و ما هم به تنهایی امکان عملیاتی کردن این موارد را نداریم و نیاز است قدرتی فراتر این موارد را به نظم درآورد. فارغ از تمام کاستی‌ها اما عدم‌درک و توجه مردم به بحران و درنتیجه عدم‌مطالبه‌گریشان نکته قابل‌تأملی است که نیاز به فرهنگ‌سازی و درنتیجه زمانی طولانی‌مدت دارد و از اینرو باید از حالا آموزش درست به کودکان را در دستور کار جدی قرار داد.

نگاه ۲

آموزش همگانی دغدغه‌ای ملی

مهراب شریفی‌سده
مدرس موسسه آموزش عالی هلال‌ایران

آموزش یک حق انسانی است که در کنوانسیون حقوق بشر به‌عنوان نمادی برای ترویج آزادی‌های انسانی و توانمندسازی موردتوجه قرار گرفته است.

ما در کشوری زیست می‌کنیم که مخاطرات طبیعی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم آن است، کشوری با خطرپذیری بالایی نسبت به زلزله، در معرض سیل‌های برق‌آسا، متاثر از تغییرات اقلیمی و درحال دست‌وپنجه نرم‌کردن با معضل کم‌آبی و خشکسالی فراگیری که سال‌هاست دامنگیر آن شده است. در بخش مخاطرات انسان‌ساخت نیز حال و روز چندان خوشی نداریم. با همه تمهیداتی که‌اندیشیده شده، همچنان هر سال جاده‌های ناایمن در آن جان قریب به ۲۰هزار نفر را می‌گیرند و رقمی چندین برابر معلول و مجروح بر جای می‌گذارند. هوای آلوده و ریزگرد نیز میهمان ناخوانده‌ای است که مدت‌هاست جای خوش کرده است. با همه این اوصاف بخش بزرگی از جمعیت کشورمان در معرض انواع مخاطرات قرار داشته و به دلایل متعدد آسیب‌پذیری ما نیز بسیار است. از این‌رو کاستن از خطر همواره باید مدنظر مدیران و برنامه‌ریزان قرار داشته باشد.

یکی از مهمترین، موثرترین و آسان‌ترین رویکردهای کاهش خطر در جوامع در معرض خطر، آموزش همگانی مردم است. هدف اصلی از آموزش همگانی ایجاد آمادگی پاسخگویی و مقابله در برابر حوادث و سوانح است و هدف غایی و نهایی رسیدن به وضع مطلوب یا جامعه آماده است. در جامعه آماده نه‌تنها آگاهی‌بخشی به اقشار گوناگون مردم انجام شده است و مردم مخاطرات طبیعی و انسان‌ساخت پیرامون محیط زندگی خود را می‌شناسند، بلکه آنان دانش و مهارت‌های مقابله و گریز از خطرات را آموخته‌اند و هنگام مواجهه با خطرات به‌خوبی می‌دانند که چه واکنش‌هایی از خود بروز دهند تا آسیب و خسارات کمتری ببینند.

برنامه‌ریزی برای آموزش همگانی مستلزم درک درست از مخاطرات منطقه است، بنابراین مطالعات خطرپذیری مناطق مختلف کشور باید به انجام رسیده و نقشه خطرپذیری کشور آماده شود. پس از آن می‌توان با یک برنامه مدون آموزشی به آموزش مردم پرداخت.

در آموزش باید ابتدا به جلب‌نظر مردم و حساس ساختن آنان در مورد مخاطراتی که با آنها مواجه‌اند پرداخت و پس از آن ضرورت آموزش و کسب دانش و مهارت‌های ضروری برای دوری جستن از خطر را به آنان گوشزد کرد. پس از آن می‌توان با تغییر در نگرش و در پایان با تغییر رفتار به منافع آموزش اندیشید.

در آموزش همگانی اگرچه آموزش همه مردم مطلوب بوده و در این راستا برنامه‌ریزی می‌شود، ولی انتخاب گروه‌هایی از فراگیران که با علاقه و جدیت بیشتر این آموزش‌ها را فرا گرفته و در پخش و اشاعه این آموزه‌ها در بین مردم و خانواده تلاش بیشتری می‌کنند، در اولویت برنامه‌ریزان قرار دارد. پس از انتخاب مخاطب باید نیازهای او مورد توجه قرار گرفته و براساس مخاطراتی که مخاطب با آنها مواجه است، مناسب‌ترین محتوای آموزشی انتخاب شود و در گام بعدی موثرترین روش آموزشی مورد بررسی قرار گیرد و در پایان رسانه و ابزاری که می‌توان پیام ایمنی را به مخاطب رساند، برگزیده شود و آموزش به انجام رسد. اگرچه آموزش‌ها اغلب موثر بوده و نتایج خوبی را عاید برنامه‌ریزان و مدیران می‌کند، ولی ارزیابی و ارزشیابی آموزش‌ها نیز با جدیت باید به انجام رسد تا اصلاحات ضروری در برنامه لحاظ شود. با توجه به جمعیت ۸۰میلیونی کشور و استعداد بالای آسیب‌پذیری مردم، ضرورت دارد هرچه زودتر «طرح جامع ملی آموزش همگانی» برای آموزش اقشار گوناگون مردم آماده و با بهره‌جستن از همه ظرفیت‌های آموزشی و رسانه‌ای موجود، کار بزرگ و مداوم آموزش مردم آغاز شود. حوادث اخیر به‌خوبی آماده نبودن مردم و سردرگمی آنان را در مواجهه با مخاطرات نشان داد.

آموزش همگانی باید دغدغه ملی همه مدیران و برنامه‌ریزان کشور باشد؛ آموزشی که حق آنان است. جمعیت هلال‌احمر به‌عنوان مسئول کارگروه آموزش همگانی می‌تواند با کمک و همت همه اعضای کارگروه برنامه‌ملی و جامع آموزش همگانی را در کشور طراحی کند و با کمک دولت در تخصیص منابع لازم این وظیفه حاکمیتی و ملی را در گستره ملی به اجرا درآورد. آگاه‌سازی عمومی می‌تواند خطر حوادث را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهد. فراموش نکنیم آگاهی می‌تواند نجات‌بخش باشد.